

## نقش بانکداری اسلامی در انکشاف اقتصادی

محمود صفایی<sup>۱</sup>

### چکیده

بانکداری اسلامی نوعی فعالیت بانکی است که با احکام اسلام، به‌ویژه مقرراتی برای مقابله با ربا و رباخواری، همخوانی دارد و در قالب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود. سؤال اصلی این تحقیق این است که بانکداری بر اساس آموزه‌های اسلامی چه نقشی می‌تواند در انکشاف اقتصادی داشته باشد. هدف این تحقیق، یافتن جواب تحلیلی این پرسش است. در این پژوهش از روش تحلیلی توصیفی بهره گرفته شده و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اولاً بین بانک و انکشاف، رابطه مستحکمی وجود دارد، ثانیاً بانک با ارائه خدمات واسطه‌ای، زمینه را برای رشد و انکشاف اقتصادی در شرایط نااطمینانی، ایجاد و سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری کرده و شرایط را برای انکشاف اقتصادی فراهم می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** بانک، بانکداری، انکشاف اقتصادی، بانکداری اسلامی

---

۱. گروه علوم اقتصاد، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان.

آدرس ایمیل: mahmuodsafaei96@jmail.com

## مقدمه

به بحث بانکداری اسلامی در جوامع اسلامی زیاد پرداخته شده؛ اما این تحقیق در صدد بررسی این مسئله است که بانکداری اسلامی در قبال انکشاف، تولید و پیشرفت اقتصادی از چه جایگاهی برخوردار است. برای ورود به این بحث و تحلیل داده‌های لازم، ابتدا بانکداری اسلامی را تعریف کرده و بعد از آن ویژگی‌ها، اهداف، سازوکارهای بانک و چند الگوی ارائه شده از طرف اقتصاددانان اسلامی را بررسی خواهیم کرد.

### ۱. بانکداری اسلامی

دانشمندان زیادی در حوزه بانکداری اسلامی، نظرات مختلفی داده‌اند. اندیشمندان اسلامی در تمام دنیای اسلام به دنبال راهی هستند که با توجه به موانع شرعی، به نحوی نیازهای حاکم بر جوامع را پاسخ‌گو باشند. تعریف جامع و مانع از بانکداری اسلامی، کار آسانی نیست؛ زیرا تعریف بانک به وظایف و عملیات که انجام می‌دهد، بستگی دارد. از این رو بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که بهتر است بانک بعد از بیان وظایفی که در اقتصاد امروز به عهده‌دارد، تعریف شود. به علاوه اینکه تعریف بانک از نظام بانکی متأثر است. با وجود گسترش ادبیات نظری و تجربی بانکداری اسلامی، اقتصاددانان مسلمان به صراحت به تعریف بانکداری اسلامی و مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند. بنابراین در ادبیات بانکداری اسلامی تعریف روشنی از بانکداری اسلامی ارائه نشده و تعاریفی هم که ارائه شده بر اساس نوع دیدشان نسبت به بانکداری اسلامی از قبیل مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک و غیره است. در ذیل به بخشی از تعریف‌های مطرح‌شده از بانکداری اسلامی اشاره می‌شود:

۱. بانکداری اسلامی ساختار کارآمد در واسطه‌گری مالی دارد که بر مبنای آن، بانک اسلامی خدمات بانکی را بدون در نظر داشت بهره و با استفاده از روش‌های جایگزین اسلامی ارائه می‌کند. بر مبنای این دیدگاه، بانک اسلامی نقش میانجی‌گری خود را با استفاده از الگویی‌های مانند مضاربه مشترک یا وکالت انجام می‌دهد. (منور اقبال،

اوصاف احمد و طریق الله خان، ۱۳۷۸: ۱۲۴)



۲. با توجه به تفاوت میان بانک مرکزی و بانک‌های سپرده‌پذیر، این نظر به وجود می‌آید که در بانکداری اسلامی تجهیز و تخصیص منابع باید بر اساس طرحی باشد که مشارکت در سود و زیان (PLS) صورت گیرد. (میر معزی ۱۳۸۴، ۱۷: ۴۵-۷۴)

۳. بانکداری اسلامی می‌بایست دارای ویژگی‌های انطباق ظاهری با فقه اسلامی و حذف ربا و بهره، کارا برای فعالیت‌های بانکی از جمله تأمین‌کننده سرمایه برای بخش‌های مختلف اقتصادی، قابلیت لازم برای اعمال سیاست‌های پولی و در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام باشد. (موسویان، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

با توجه به اینکه تفاوت میان بانکداری اسلامی در نظریه و عمل وجود دارد، عقیده براین است که در مقام نظریه بانکداری اسلامی با مشخصه‌هایی مانند تأمین مالی به روش مشارکت در سود و زیان (PLS)، نبود ارائه قرض ربوی و التزام به دوری کامل از حفظ دارایی‌های دارای بازده ثابت هستند. ولی در مقام عمل، بانکداری اسلامی به روش دادن وام در برابر دریافت بازده ثابت (FRS) جهت داده می‌شود و روش‌های «خرید و فروش اقساطی»، «اجاره به شرط تملیک»، «انتشار اوراق صکوک» و شبیه آن استفاده می‌نمایند که تنها اختلاف این روش‌ها با «قرض ربوی»، جنبه حقوقی پیدا کردن است و میان این‌گونه معاملات و قرض دهی، استوار بر بهره از جهت تأثیرات خارجی و اقتصادی آن اختلاف وجود نخواهد داشت. (حسین زاده بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

بانکداری اسلامی تنها نظام بانکی نیست که در آن ربا لحاظ نمی‌شود که بتوان با حذف ربا از نظام بانکداری ربوی به دست آید، بلکه نظامی است که علاوه بر نبود ربا در آن، باید توانایی داشته باشد که در جهت اهداف نظام اقتصاد اسلام حرکت نماید. (چپرا، ۱۴۰۱: ۱۱۵) در یکی از تعاریف بانکداری اسلامی آمده است:

بانکداری اسلامی نوعی الگوی خاص یا مدل تعدیل‌شده‌ای از بانکداری متعارف است که در آن تلاش می‌شود تمامی روابط و مناسبات، سازگاری با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصاد اسلام مانند عدالت و اخلاق تنظیم گردد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲)

با توجه به اختلاف تعاریف ارائه شده، آنچه مسلم است این است که همه این تعاریف به نقش بانک در تأمین مالی اشاره دارد.

## ۲. اهداف بانکداری اسلامی

### ۲-۱. رفاه عمومی

رفاه و آسایش عمومی اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف هر نظام اقتصادی است که در سایه تحقق آن، اکثر مردم باید از امکانات اقتصادی موجود برخوردار و از امتیازات آن بهره‌مند شوند. این هدف و اصل به‌اندازه‌ای در دنیای اقتصادی اسلام اهمیت دارد که امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> نتیجه اقدامات والیان و متصدیان حکومت اسلامی را در راستای خدمت‌رسانی به مردم، تأمین رفاه همه مردم دانستند. (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

واضح و مبرهن است که حداقل رفاه، از بین بردن فقر و محرومیت در زمینه‌های مختلف است که در شرع پس از ایجاد رفاه مطرح شده است، ولی این بدین معنا نیست که رفاه به رفع محدودیت‌ها بستگی داشته باشد، بلکه رفاه معنای بسیار گسترده‌ای دارد که به تناسب زمان و مکان و سطح دانش و پیشرفت اقتصادی جامعه متفاوت خواهد بود.

### ۲-۲. رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به بیان ساده، عبارت است از افزایش تولید ناخالص ملی یا داخلی در سال خاص در مقایسه با مقدار آن در یک سطح کلان، بالا رفتن تولید ناخالص ملی یا داخلی در سال موردنظر نسبت به مقدار آن در یک سال پایه. رشد اقتصادی به معنای تولید بیشتر است که باعث افزایش اشتغال و درآمد، منجر به بالا رفتن رفاه عمومی می‌گردد. بانک‌های اسلامی، مثل سایر بانک‌ها با داشتن شعبه‌های زیاد در نقاط مختلف، به‌راحتی پس‌اندازهای بدون استفاده شده مردم را جمع‌آوری کرده و در اختیار صاحبان صنایع، کشاورزان، بازرگانان و سرمایه‌گذاران که دارای کمبود هستند، قرار می‌دهند و با فراهم کردن تسهیلات و اعتبارات مختلف برای آن‌ها، زمینه را برای





افزایش ظرفیت‌های تولیدی و کارایی کل سیستم اقتصادی فراهم می‌کند. (ر.ک. قره‌باغیان، ۱۳۷۳، ۲: ۵۲۶)

در نظام سرمایه‌داری، رشد اقتصادی همیشه با نوسان‌های دوران رونق و رکود اقتصادی روبرو بوده است و یکی از عوامل این نوسانات تسلط نظام بهره‌است؛ زیرا در نظام بازار آزاد زمانی که تولیدکنندگان توقع و انتظار بهبود اوضاع اقتصادی و در نهایت سود بیشتر را داشته باشند اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و افزایش سرمایه، باعث رونق بیش از قاعده می‌شود. از طرف دیگر، اگر توقع رکود اقتصادی را داشته باشند، با ممانعت از سرمایه‌گذاری، سبب رکود بیشتر و بد شدن اوضاع اقتصادی می‌شود و درکل این تغییرات و نوسانات سبب عدم تعادل و بی‌ثباتی اقتصادی می‌گردد. (ر.ک. محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۶۳) درواقع بانکداری که در نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بهره‌است، زمینه را برای نوسان‌های دوران رکود و رونق بیش از حد فراهم می‌کند. در نتیجه وضعیت را از تعادل اقتصادی دور می‌کند، ولی بانکداری اسلامی خصوصاً در صورت کاربرد گسترده و واقعی عقود مشارکتی، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که متناسب با شرایط رکود و رونق سود، بین مشارکت‌کنندگان توزیع می‌شود و نوعاً اقتصاد از حالت تعادل دور نمی‌شود. علاوه بر این بانک‌های غیر ربوی صرفاً بر قدرت قرض‌گیرنده در توان پرداخت اصل و فرع وام متمرکز نمی‌شود، بلکه با مطالعه نوع فعالیت‌های وام‌گیرندگان به فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها سمت و سوی مشخص می‌دهد. به همین جهت، این بانک به مؤسسات ضعیف اقتصادی که امکان سودآوری مناسب نداشته باشد، تسهیلاتی نمی‌دهد. (ر.ک. صدر، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۹) بدین ترتیب، بانک‌های غیر ربوی می‌تواند با تمرکز بر فعالیت‌های سودآور اقتصادی در جهت رشد اقتصادی کشور گام بردارد و از تخصیص وجوه در حوزه‌هایی که سودآوری کافی برای کشور ندارد و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی نمی‌شود، جلوگیری کند. (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳: ۱۰۱)

## ۲-۳. عدالت اقتصادی

یکی از شعب اصلی و مهم عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی است. عدالت

اقتصادی به معنای دادن حق هر کس از درآمدها و ثروت‌های جامعه، به‌عنوان یک هدف و یک راهبرد کلان در نظام اقتصادی اسلام قابل طرح است. عدالت اقتصادی به‌عنوان یک هدف، سمت و سوی نظام اقتصادی اسلام را بیان می‌کند و به‌عنوان یک راهبرد کلان، چارچوبی برای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که برای رسیدن به اهداف نظام ترسیم می‌گردد. (میرمعزی، ۱۳۹۳: ۴۵۱)

عدالت و برابری در نظام بانکی را می‌توان در سه محور اساسی مورد بحث قرارداد: الف. توزیع برابر تسهیلات و خدمات بانکی؛ ب. توزیع برابر سود سپرده‌ها، تسهیلات و کارمزد خدمات بانکی؛ ج. نقش بانکداری در مسئله فقرزدایی.

## ۲-۴. خودکفایی

اسلام با طرح بحث خودکفایی به دنبال تأمین نیاز جامعه اسلامی در حد بالایی از رفاه با اتکا به توانمندی‌های داخلی است و در مباحث مربوط به استقلال اقتصادی هم به دنبال حضور فعال و قدرتمند در تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی درصدد قطع وابستگی و عزت، عظمت و سربلندی جامعه اسلامی است. این مهم بدون به‌کارگیری شبکه عظیم سیستم بانکی که منابع موردنیاز طرح‌های اقتصادی مؤثر و نقش‌آفرین در بهبود تراز پرداخت‌ها و در نتیجه خودکفایی و استقلال اقتصادی را فراهم سازد امکان‌پذیر نیست. (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۵۱)

قابل یادآوری است که اهداف بانکداری اسلامی تنها می‌تواند در قبال استقلال دولت اسلامی به وجود آید؛ زیرا بدون استقلال و وابستگی به بیگانگان، امکان ندارد که مجموعه کارگزاران اسلامی به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه در چارچوب قوانین اسلامی بپردازند و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی فراهم کنند. این امر بدون توجه به استفاده از شبکه عظیم سیستم بانکی امکان ندارد؛ زیرا منابع مورد نیاز برنامه‌های اقتصادی مؤثر در بهبود تراز پرداخت‌ها و در نتیجه خودکفایی و استقلال اقتصادی را فراهم می‌کند. (ایروانی، ۱۳۹۴: ۲۳۸)



## ۲-۵. افزایش ثبات در جامعه

در سیستم بانکداری اسلامی خصوصاً بر مبنای اشتراکت در سود و زیان، شاهد کاهش ریسک شکست در سرمایه‌گذاری و تبعات آن در دوره‌های رونق و رکود خواهیم بود. به عبارت دیگر در نظام مالی اسلامی به دلیل تعدیل سودها و ضررهای احتمالی و تقسیم آن بین تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه، نه در حالت رونق و بهبود، سرمایه‌گذاری متورم شده و رونق لجام‌گسیخته رخ می‌دهد و نه در حالت رکود به دلیل ترس از خطر و نااطمینانی، رکود عمیق رخ می‌دهد؛ زیرا اولاً سود و زیان تقسیم می‌شود و ثانیاً در تأمین سرمایه اولویت با دارایی‌های بانک و موسسه مالی است نه بدهی‌های آن. همین امر از شدت و عمق شکست و تبعات آن جلوگیری می‌کند. (موسویان، ۱۳۸۱: ۵)

## ۲-۶. کارایی سرمایه

در بانکداری اسلامی که مبتنی بر اشتراک در سود و زیان است، تخصیص منابع و سرمایه به سودآورترین سرمایه‌گذاری‌ها تعلق می‌گیرد؛ زیرا به دلیل بازدهی بالا مطلوبیت بیشتر نزد وام‌دهنده و وام‌گیرنده دارد. علاوه بر آن، این سیستم باعث ایجاد ارتباط بیشتر با وام‌گیرنده می‌شود که این خود بر اطمینان از موفقیت سرمایه‌گذاری می‌افزاید؛ زیرا سود هر کدام به فعالیت واقعی و اقتصادی بنگاه ارتباط دارد. لذا منجر به پیگیری و جدیت مضاعف دارد. (موسویان، ۱۳۸۱: ۵)

## ۳. وظایف بانکداری اسلامی

بانک یک نهادی اقتصادی است که وظایف چون تجهیز و توزیع اعتبارات، عملیات اعتباری، عملیات مالی، خرید و فروش ارزها، نقل و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وکالت خریدها و فروش را بر عهده دارد. (اخلاقی، ۱۳۹۴).

واسطه‌گری از مهم‌ترین وظایف بانکداری اسلامی است. برای شناخت واقعیت

و ماهیت وساطت مالی (بانکی)، باید به این نکته توجه نمود که وساطت مالی همان‌گونه که از نام آن هویدا است، بین دو طرف (واحدهای دارای مازاد و واحدهای دارای کسری) واسطه‌گری می‌کند و عهده‌دار جهت دادن مازاد ثروت گروه اول به افرادی از گروه دوم می‌شود که بیشترین نیاز را بدان دارند. بنابراین هدف واسطه مالی، مدیریت اموال مازاد است نه تملک آن. از این رو مصلحت واسطه در آن است که واسطه‌گری را بر اساس عقد نیابتی که در آن ریسک منحصر به فعالیت واسطه است، پایه‌ریزی نماید. در این شرایط، به عقد ضمان روی نمی‌آورد؛ زیرا واسطه همانند تمام واحدهای اقتصادی، در پی کسب سود با حداقل ریسک ممکن است؛ اما در صورت به‌کارگیری اموال، بر اساس عقود امانی، صلاحیت این کار را دارد. این عقود بیش از ریسکی که واسطه در مقابل واحدهای دارای مازاد پذیرفته است، بر او تحمیل نمی‌کند. علاوه بر این ریسک‌هایی که واسطه عهده‌دار آن است، انگیزه کافی برای سخت‌کوشی واسطه و تلاش وی در جلب رضایت پسانداز کنندگان ایجاد می‌نماید. این بدان معناست که عقود شرکت، مضاربه و وکالت برای تنظیم رابطه میان واسطه و متقاضی وساطت کافی است. «عقود امانی مقصود واسطه را در دوری از ریسک‌هایی که با فعالیت او مرتبط نبوده یا تحت قدرت وی نیست، محقق می‌سازد. مانند خساراتی که شخصی دیگر (طرف سوم) آن را وارد می‌سازد؛ اما ریسک‌های ناشی از کوتاهی یا زیاده‌روی را بر اساس طبیعت کار می‌پذیرد؛ زیرا این ریسک‌ها تحت سیطره و قدرت او است و به همین دلیل، در واسطه‌گری مستحق سود می‌گردد». (بن صالح الاطرم، ۱۹۹۵: ۲۴۵)

واسطه مالی (بانکی) «زمانی میان واحدهای دارای مازاد و کسری، درواقع، به نیابت از واحدهای دارای مازاد، به مدیریت اموالشان می‌پردازد و نظری به تملک اموال آن‌ها ندارد، بلکه فعالیت وی جهت دادن اموال پسانداز کنندگان به‌سوی نیازمندان به آن‌ها است. از این رو واسطه نظری به تملک کالای مورد وساطت ندارد و صرفاً قصد مدیریت آن را دارد». (بن صالح الاطرم، ۱۹۹۵: ۱۲۰)

واسطه مالی و سرمایه‌گذار از جهاتی شبیه هم هستند. دلیل شباهتشان در این



است که هر دو سرمایه موجود خود را برای تملک کالاهای حقیقی به کار می گیرند. این تشابه در استفاده سرمایه باعث خلط بین سرمایه گذار و واسطه شده است، درحالی که تملک سرمایه گذار و واسطه به دلایل ذیل با هم فرق دارد:

الف. تملک کالا توسط واسطه مالی در ضمن عقد نیابت (امانت) قید می شود و در آن، واسطه نیز به واحدهای دارای کسری نیابت می دهد. حال یا نیابت کلی؛ همانند وکالت یا مضاربه یا نیابت جزئی؛ همانند مشارکت و اگر حادثه ای رخ دهد و کالا از بین برود، مال واحدهای دارای مازاد تلف شده است، ولی واسطه و واحدهای دارای کسری نایب هستند. ید آن ها بر کالا ید امانی است، درحالی که تاجر بر اساس عقد ضمان کالا را مالک می شود و قرارداد وی قرارداد امانی نیست. ازاینرو اگر کالا تلف شود، خود عهده دار آن است. (السویل، ۱۹۹۵: ۱۴۰)

ب. اموالی که واسطه مالی برای خرید (کالاها) به کار می گیرد، اموال پس انداز کنندگان است. ازاینرو واسطه مالی همیشه نایب دیگری است. البته سرمایه واسطه مالی به منظور تملک کالاها فراهم نیامده، بلکه هدف مدیریت پس اندازها است. ج. واسطه به تنهایی مالک کالا نمی شود، بلکه علاوه بر واحدهای دارای مازاد، طرف دیگر وساطت یعنی واحدهای دارای کسری نیز در آن شریک اند. (ر.ک. صالح الحصین، بی تا، ۱۷۱: ۳)

بنابراین بانکداری اسلامی در بهترین وضعیت، سرمایه خود را بر اساس عقد نیابتی مضاربه تأمین می کند، ولی این سرمایه را بر اساس عقد ضمان و رابطه بدهکاری مانند مرابحه، استصناع، مشارکت و مانند آن با رابط طرف چهارم (یعنی مالک) به کار می گیرد.

بانک اسلامی بر اساس روش تجاری، اقدام به تأمین مالی می نماید. مقصود از این که بانک تأمین مالی می کند آن نیست که خود اقدام به تجارت می کند، بلکه مال را به تاجر می دهد تا وی آن را فزونی بخشد و منظور از این که تأمین مالی بانک اسلامی به روش تجاری است، این است که این تأمین مالی نیازمند مهارت بالایی در بازارهای تجاری و فرصت های سرمایه گذاری است. این تأمین مالی از

زمانی که مال بر اساس مشارکت به تاجر اعطا می‌شود، در معرض ریسک‌های بازار قرار می‌گیرد. (الاطرم، ۱۴۳۵: ۴۳) بانکداری اسلامی به سبب کسب تجارب، مهارت و اطلاعات مربوط به فرصت‌های سرمایه‌گذاری، زمینه‌های رشد و چگونگی بهره‌گیری از این فرصت‌ها و تأمین مالی آن‌ها را به بهترین شکل ممکن تأمین می‌کند و با استفاده از این مهارت و خبرگی، به نیابت اموال واحدهای دارای مازاد را فزونی می‌بخشد و این کار را از طریق انتخاب تاجران موفق و شرکت‌های دارای آینده روشن و سرمایه‌گذاری در آن‌ها عملی می‌کند و در برابر این فعالیت، مزد دریافت می‌دارد. این مزد یا به صورت مقطوع (وکالت) یا به صورت نسبتی از سود (انواع مختلف مشارکت) است. (السویل، ۱۹۹۵: ۱۲۳)

#### ۴. خدمات بانکداری اسلامی

از جمله خدماتی که بانک‌های اسلامی به مشتریان ارائه می‌کند، موارد ذیل است:

##### ۴-۱. امور چک

گاهی مشتری بانک، چک شخص دیگری را به حساب خود می‌گذارد. این چک ممکن است به بانک دیگری و حتی شهر و کشور دیگری مربوط باشد. بانک طی مراحل فنی چک را وصول، به حساب مشتری منظور می‌کند. بانک می‌تواند در برابر ارائه این خدمت حق العمل دریافت کند. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۱۰)

##### ۴-۲. مدیریت اسناد مالی

به‌طور معمول در موضوع واردات و صادرات، خریدار متعهد می‌شود وقتی اسناد تحویل کالا در مکان مشخصی به دستش رسید، پول کالا را تحویل دهد. در این موارد اغلب از طریق بانک عمل می‌شود. صادرکننده کالا اسناد حمل کالا را به بانک خود تحویل می‌دهد. بانک اسناد را به بانک خریدار کالا (واردکننده) ارسال می‌کند. بانک خریدار با بررسی اسناد در صورت صحت، بهای کالای خریداری شده را می‌پردازد و سپس از خریدار دریافت می‌کند. این خدمت به هدف تسهیل مبادله‌ها صورت می‌گیرد. بانک حق دارد افزون بر قیمت کالا، پولی بابت واسطه‌گری و هزینه‌های آن



چون هزینه‌های پست و مخابرات دریافت کند. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۱۱-۱۱۲)

### ۳-۴. مدیریت حواله بانکی

شهید صدر چهار تفسیر برای حواله بانکی ارائه می‌کند و معتقد است: «بهترین تفسیر، تفسیری است که با حواله فقهی هم سازگار است؛ به این معنا که بدهکار با پرداخت پول به بانک، طلبکار را برای دریافت طلب به بانک حواله می‌دهد. سپس بانک با ارسال آن مبلغ به شعبه خود در شهر مورد نظر، طلبکار را برای دریافت مبلغ به آن شعبه حواله می‌دهد. به اعتقاد شهید صدر، بانک می‌تواند در مقابل ارائه این خدمت، حق العمل (کارمزد) دریافت کند. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۱۲-۱۱۷)

### ۴-۴. امور سفته و برات

دارنده سفته و برات، چند روز قبل از سررسید، آن را به بانک می‌سپارد. بانک به اطلاع بدهکار می‌رساند که در تاریخ معین، سفته‌ای به ارزش فلان مبلغ دارد. بانک پس از دریافت مبلغ سفته، آن را به حساب جاری دارنده سفته واریز می‌کند. به اعتقاد شهید صدر این عمل بانک، صحیح و شرعی است و بانک می‌تواند در برابر عملیات وصول سفته، کارمزد بگیرد. البته حق ندارد بابت مدت و مبلغ سفته چیزی از مبلغ آن کسر کند. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۱۹-۱۳۱)

### ۵-۴. معامله اوراق بهادار

یکی از خدماتی که بانک‌ها ارائه می‌کنند، خرید و فروش اوراق سهام شرکت‌ها و اوراق قرضه دولت‌ها و شرکت‌ها است. بانک‌ها به دو طریق به این کار اقدام می‌کنند: گاهی در جایگاه واسطه‌گری فقط به عملیات خرید و فروش کمک می‌کنند و در مقابل کارمزد می‌گیرند و گاهی خودشان به خرید کلی اوراق بهادار اقدام کرده و سپس به صورت خرد می‌فروشند و همانند تاجران از اختلاف قیمت خرید و فروش سود می‌برند.

به اعتقاد شهید صدر، مشروعیت اصلی معامله و سود حاصل از آن به مشروعیت اوراق بهادار بستگی دارد. اگر اوراق بهادار از سنخ اوراق سهام باشد که خرید و فروش

آن از جهت شرعی مجاز است، ورود بانک چه به صورت واسطه‌گری و چه به صورت خرید و فروش صحیح و درآمد حاصل از آنچه به صورت سود و چه به صورت کارمزد حلال خواهد بود؛ اما اگر اوراق بهادار از سنخ اوراق قرضه باشد که بر قرض با بهره و ربا مبتنی است، اصل معامله به هر دو صورت باطل و کسب درآمد از طریق آن نیز حرام خواهد بود. (موسویان، ۱۳۸۶، ۵: ۱۱۵-۱۳۲)

#### ۴-۶. نگهداری اشیای قیمتی و اوراق بهادار

یکی دیگر از خدمات بانکی که بانک‌ها برای مشتریان ارائه می‌کنند، نگهداری اشیای قیمتی و اوراق بهادار آن‌ها است. برای این منظور، بانک‌ها صندوق‌هایی را طراحی کرده، در اختیار مشتریان قرار می‌دهند. به اعتقاد شهید صدر، اصل این عمل و گرفتن اجرت برای آن صحیح و مشروع است. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۲۵-۱۲۶)

#### ۴-۷. دادن ضمانت‌نامه‌های بانکی

تضمین‌نامه بانکی یکی از خدمات مهمی است که نظام بانکی پس از بررسی‌های لازم ضمن وثایق تعیین شده نسبت به صدور ضمانت‌نامه اقدام می‌نماید. بانک صادرکننده را «ضامن»، شخصی که بانک، اجرای تعهدات او را ضمانت می‌کند «مضمون عنه»، سازمانی که ضمانت‌نامه به نفع او صادر می‌شود «مضمون له»، امری که مضمون عنه در قبال مضمون له بر عهده دارد «موضوع ضمانت‌نامه» و مبلغ ضمانت‌نامه را «وجه الضمان» و شخصی را که به درخواست وی ضمانت‌نامه صادر می‌شود «ضمانت خواه» می‌گویند که علی‌الاصول همان مضمون عنه می‌باشد. (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۸۲)

موارد چون خرید و فروش اوراق بهادار اسلامی، خرید و فروش ارز و سکه، حفظ امانات، اداره اموال و دارایی‌های مشتریان، ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی، ارائه کارت‌های بانکی (کارت پولی و اعتباری) و اعتبار در حساب جاری، (توکلی، ۱۳۹۴: ۳۵۹) از دیگر خدماتی است بانکداری اسلامی به مشتریان ارائه می‌کند. پس با توجه به موارد مذکور، خدمات بانکداری اسلامی در راستای توسعه





و تولید اقتصادی صورت می‌گیرد و می‌تواند جامعه را به‌سوی اقتدار و توسعه سوق دهد.

## ۵. الگوهای بانکداری اسلامی

بانک از جایگاه بالایی در اقتصاد امروز برخوردار است. بر همین اساس، نمونه‌های مختلفی در بانکداری به‌منظور تجهیز و تخصیص بهتر منابع مطرح است. بنابراین نمونه‌های که در بانکداری اسلامی مطرح می‌شود، همگی از میزان رضایتمندی برابری برخوردار نیست، بلکه درجات مختلفی از حیث مطابقت با معیارهای بانکداری اسلامی دارد. بنابراین به چند نمونه از الگوهای مطرح شده اشاره می‌کنیم: شهید صدر ساختاری از بانکداری بدون ربا پیشنهاد کرده است. این ساختار گرچه به‌صورت کامل به مرحله اجرا درنیامد؛ اما در دیگر ساختارهای بانکداری بدون ربا تأثیر فراوان داشت. شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در ساختار عملیاتی ایشان به‌قرار ذیل بیان شده است: (موسویان، ۱۳۸۵: ۲۱)

### الف. روش‌های تجهیز منابع؛ ب. روش‌های تخصیص منابع

۱. سپرده جاری
۱. مضاربه
۲. سپرده پس‌انداز
۲. قرض با کارمزد
۳. سپرده مدت‌دار
۳. تنزیل با کارمزد

در الگوی «تفکیک بانک‌ها به قرض‌الحسنه»، «سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ به‌عنوان یکی دیگر از الگوهای بانکداری اسلامی مطرح می‌شود. برنامه‌ریزان این الگو باور دارند که این الگو به‌خاطر مطابقت بیشتر با شاخص‌های بانکداری اسلامی خوب، باعث بیشتر شدن جلب اعتماد عمومی مردم به بانک‌ها و در نتیجه، افزایش سطح سپرده‌گذاری در بانک‌های اسلامی می‌گردد. طراحان الگوی «تفکیک» «با مدنظر قرار دادن اهدافی مانند حذف کامل ربا به‌عنوان اولین و اساسی‌ترین محور بانکداری اسلامی، گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه و تأمین نیازهای ضروری مردم از این طریق، هدایت صحیح منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری و

تولید، ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق تسهیل امور و افزایش نظارت‌های دقیق، برقراری قسط و عدل و حرکت نظام بانکی در جهت تحقق عینی عدالت و تحصیل سود از طریق مشارکت واقعی در فرایند سرمایه‌گذاری، (داودی و صمصامی، ۱۳۹۵: ۱۱۳) و برشمردن مزایایی مانند حذف رانت بانکی و بازگشت بانک به جایگاه اصلی خود، (محقق نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۳) الگوی موردنظر خود را ارائه داده‌اند.

در الگوی «تفکیک»، بر مبنای عقود، سه نوع بانک مطرح است:

۱. بانک‌های بدون بهره (قرض الحسنه): بانک‌های قرض الحسنه از طریق حساب‌های «جاری» و «قرض الحسنه پس انداز» به تجهیز منابع پرداخته، اقدام به سپرده‌پذیری از مشتریان می‌کنند. جمع‌آوری سپرده‌ها از طریق حساب‌های مزبور، حق انحصاری این بانک‌هاست و بانک‌های سرمایه‌گذاری حق استفاده از این نوع حساب‌ها را ندارند. این بانک‌ها تمامی منابع خود را پس از کسر ذخایر قانونی و نقدینگی، به‌صورت قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و تنها مجاز به دریافت کارمزد هستند. (داودی و صمصامی، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۱۷)

۲. بانک‌های سرمایه‌گذاری: بانک سرمایه‌گذاری به‌منظور پوشش دادن به تقاضاهای سرمایه‌گذاری مشتریان و کارآفرینان به وجود می‌آید. این بانک واسطه‌ وجوه است و منابع مالی لازم را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و متوسط از طریق پذیره‌نویسی، فروش سهام، سپرده‌های خاص و انتشار اوراق جمع‌آوری می‌کند. درواقع امور مربوط به فعالیت‌های مشارکتی و برخی از فعالیت‌های مبادله‌ای از بانک‌های کنونی منفک شده است و به این قبیل بانک‌ها منتقل خواهد شد. بانک سرمایه‌گذاری علاوه بر انجام آنچه بر عهده شرکت‌های تأمین سرمایه گذاشته شده، از اختیارات و توانایی‌های دیگری از قبیل انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی نیز برخوردار است. این بانک با انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی که قابلیت خرید و فروش در بازارهای ثانویه داشته باشد، سهم گسترده‌ای در گسترش بازار سرمایه و اوراق بهادار ایفا می‌کند. (داودی و صمصامی، ۱۳۹۵: ۱۱۸-



۳. اجاره به شرط تملیک: شرکت‌های لیزینگ با مراجعه به بانک‌های قرض الحسنه و سرمایه‌گذاری و نیز از طریق اخذ اعتبار از مؤسسات مالی یا بانک‌های بین‌المللی و استفاده از اعتبارات داخلی و خارجی، تأمین مالی شده، کالاهای گوناگونی را خریداری می‌کنند. این شرکت‌ها برای تخصیص منابع، از دو شیوه «اجاره به شرط تملیک» و «فروش اقساطی»، استفاده می‌کنند. (داودی و صمصامی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

«الگوی «تفکیک» از قابلیت مناسبی برای مولّد بودن تسهیلات بانکی برخوردار است؛ زیرا علاوه بر اینکه بانک سرمایه‌گذاری به‌طور تخصصی وارد مقوله تولید گردیده و تمامی منابع آن مستقیماً به امر تولید واقعی تخصیص داده می‌شود، بخشی از منابع بانک قرض الحسنه نیز به‌صورت تسهیلات مولد در اختیار شرکت‌های تولیدی کوچک قرار می‌گیرد. از سوی دیگر شرکت‌های لیزینگ با قرار دادن کالاهای سرمایه‌ای در اختیار متقاضیان، موجبات تولید بیشتر را فراهم می‌سازند. (داودی و بیدار، ۱۳۹۰: ۵).

در الگوی «مشارکتی»، عملاً سپرده‌گذار شریک بانک می‌شود. البته منظور از شریک و مشارکت معنای عام آن است و منظور صرف عقد شرکت نیست. برای مثال در برخی بانک‌های اسلامی، به حساب‌های سرمایه‌گذاری «حساب‌های مضاربه‌ای» می‌گویند که این مسئله حکایت از مضاربه‌ای بودن مشارکت دارد. منظور از «مشارکت»، کاری است که امروزه تحت عنوان «عقود مشارکتی» در مقابل «عقود مبادله‌ای» از آن‌ها یاد می‌شود. البته عمده حساب‌های بانک‌ها بر اساس مضاربه و شرکت تأسیس می‌شود. (شعبانی و سیف‌لو، ۱۳۹۰: ۵)

یکی دیگر از الگوهای کامیاب و تأثیرگذار، بانک‌های اسلامی بانک توسعه اسلامی است که به روش‌های ذیل به تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازد. (میر خلیلی، ۱۳۸۴: ۱)

۱. تجهیز منابع: بانک توسعه اسلامی برای تجهیز منابع از روش مشارکت استفاده می‌کند به این معنا که کشورهای اسلامی با پرداخت حق عضویت منابع بانک را تأمین می‌کنند و در واقع سهام‌داران بانک شمرده می‌شوند.

۲. تخصیص منابع: بانک توسعه اسلامی برای تخصیص منابع و حمایت مالی از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی کشورهای عضو از روش‌های ذیل استفاده می‌کند.  
۱. وام بدون بهره؛ ۲. مرابحه؛ ۳. اجاره به شرط تملیک؛ ۴. مشارکت؛ ۵. استصناع.  
۶. اعطای خط اعتباری: با توجه به الگوهای متفاوت که در بانکداری اسلامی مطرح شده، دیده می‌شود که این الگوها همگی در یک چیز مشترک است و آن نقش بانکداری اسلامی در توسعه و تولید اقتصادی است.

### ۶. سازوکار بانکداری اسلامی

سازوکار بانکداری اسلامی می‌تواند به مفاهیم متعددی اشاره داشته باشد. در یک بررسی اجمالی می‌توان سازوکار را به ساختار کلی بانکداری اسلامی اطلاق نمود. «بنابراین معنای بانکداری اسلامی نوعی مهندسی نظام بانکی بر اساس شریعت دین مقدس اسلام است که از بانکداری ربوی که مبتنی بر معیارهای متعارف نظام بانکی است، متمایز می‌شود. در این برداشت از مفهوم سازوکار، به تفاوت‌های کلی میان سازوکار بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف توجه می‌شود. از این جمله می‌توان به حذف ربا از مبادلات پولی و توجه به عدالت اجتماعی در سازوکار بانکداری اسلامی اشاره کرد». (رجاء، ۱۳۹۹)

در مفهوم دیگر، سازوکار به شیوه‌های اطلاق می‌شود که در بانکداری اسلامی به منظور جلب و جذب نقدینگی، ارائه تسهیلات و خدمات بانکی و همچنین مدیریت پولی بر اساس موازین شرعی و اسلامی به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر تحلیل سازوکار بانکداری اسلامی ناظر به تحلیل روش‌های مورد استفاده در نظام بانکداری اسلامی به منظور تجهیز و تخصیص منابع، ارائه خدمات بانکی و سیاست‌گذاری‌های پولی و ارزی است. در این نوشتار منظور از سازوکار بانکداری اسلامی همان مفهوم دوم است که در محدوده مشخص به کار می‌رود. محدوده بررسی ما به سازوکارهای تجهیز و تخصیص منابع، روش‌های اعطای منابع و نیز چگونگی مدیریت منابع مالی اختصاص دارد.



## ۶-۱. تجهیز منابع

بانک‌های اسلامی نیز در طراحی‌های خود با شیوه‌های مختلف اقدام به سپرده‌پذیری می‌کنند. «این سپرده‌ها در بانک‌های مختلف با عناوین گوناگون طراحی شده‌اند. صرف‌نظر از نام‌گذاری‌ها می‌توان سپرده در بانک‌های اسلامی را به سه دسته سپرده دیداری، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تقسیم نمود. در برخی از بانک‌های اسلامی سپرده سرمایه‌گذاری به سپرده سرمایه‌گذاری عام و خاص تقسیم می‌شود. در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران سپرده سرمایه‌گذاری بر اساس مدت سپرده‌گذاری به کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم شده‌اند». (توکلی، ۱۳۹۲: ۸۷)

به‌طور کلی در بانکداری اسلامی تجهیز منابع عبارتند از:

۱. سپرده دیداری: سپرده دیداری ناظر به وجوهی است که سپرده‌گذار به بانک می‌سپارد و به او اختیار می‌دهد که در آن تصرف نماید. صاحب سپرده می‌تواند با استفاده از چک، کارت بانکی یا روش‌های اینترنتی بدون هیچ شرطی پول به حساب واریز یا از آن برداشت کند. در مقابل سود و زیان حاصل از به‌کارگیری این وجوه مربوط به بانک است.

۲. سپرده پس‌انداز: حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز نیز ماهیت قرض دارد و همانند حساب پس‌انداز در بانکداری متعارف است با این تفاوت که در بانکداری اسلامی، به صاحبان حساب پس‌انداز، بهره‌ای پرداخت نمی‌شود. حساب مذکور این امکان را به مردم می‌دهد که وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی باشد، به بانک بسپارند و هرگاه نیاز داشتند، از بانک دریافت کنند. افزون بر آن، صاحبان این حساب‌ها در امر قرض‌الحسنه اعطایی از طرف بانک مشارکت کرده و از اجر و ثواب آخرتی آن نیز بهره‌مند می‌شوند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک درآمده، جزء منابع بانک خواهد بود و بانک‌ها با لحاظ ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد و بخش دیگر را از طریق عقود به کار گرفته و سود کسب می‌کنند». (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۲: ۴۳۹) حساب‌های پس‌انداز، از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی است. ویژگی آن این است که اشخاص حقیقی

و گاهی حقوقی، وجوه مازاد بر هزینه‌های جاری خود را برای مدت نامعین به چنین حسابی واریز کرده و در قبال آن دفترچه پس‌انداز دریافت می‌کنند تا به هنگام نیاز و با برنامه‌ریزی، وجوه مذکور را دریافت کنند. ماهیت چنین سپرده‌ای قرض است و در بانک‌های سنتی عموماً به آن‌ها بهره تعلق می‌گیرد. در بانکداری اسلامی پرداخت بهره ممنوع است؛ لیکن برای تشویق سپرده‌گذاران، جوایزی در نظر می‌گیرند که بدون تعهد و قرار قبلی پرداخت می‌شود. از آنجاکه معمولاً صاحبان این نوع سپرده‌ها، علاوه بر حفظ و نگهداری وجوه، قصد کمک به بانک در اعطای قرض الحسنه و شرکت در ثواب معنوی آن کار مقدس را دارند، اطلاق سپرده قرض الحسنه بر این حساب‌ها به جا و شایسته است. (موسویان، ۱۳۸۳: ۴۴۰)

۳. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار: تعداد زیادی از افراد هر جامعه، دارای سرمایه‌های نقدی هستند که به دلایل مختلف قصد به‌کارگیری آن‌ها را ندارند. به این دلیل سراغ مؤسساتی می‌روند که بتواند اضافه بر حفظ اصل سرمایه، بهره‌ای نیز برای آن‌ها پرداخت کنند. بانک‌های متعارف در قالب سپرده‌های ثابت، وجوه مذکور را جذب کرده و علاوه بر تعهد بازپرداخت اصل آن‌ها، متناسب با مدت زمان سپرده‌گذاری به صاحبان آن‌ها بهره می‌پردازند. با توجه به اینکه ماهیت حقوقی این نوع سپرده‌ها، قرض با بهره و از مصادیق روشن ربا است، در قانون بانکداری اسلامی، تغییر بنیادی یافت. چنانکه در موارد قانون بانکداری اسلامی آمده: «بانک‌ها وجوه سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را در قالب حقوقی، عقد وکالت از صاحبان آن‌ها تحویل گرفته و به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله به کار می‌گیرند. بانک‌ها می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد، متناسب با مدت و مبلغ سپرده و با رعایت سهم منابع بانک پس از کسر هزینه‌ها و حق الوکاله، بین صاحبان سپرده تقسیم کنند». (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۲۳)



## ۶-۲. تخصیص منابع

با توجه به اینکه در دین مقدس اسلام، مسئله حرمت بهره از اهمیت زیادی برخوردار است، اقتصاددانان اسلامی بر این باورند که برای برون رفت از این وضعیت، باید قراردادها را برای بانکداری اسلامی با توجه به منابع اسلامی تعریف نمایند. در اینجا مراد از تخصیص منابع، تأمین مالی است که به صورت قراردادی صورت می گیرد. این قراردادها را می توان از جنبه های مختلف به صورت ذیل تقسیم بندی کرد:

۱. مبادله ای: عقود مبادله ای قراردادهایی است که در آن سود و بازدهی ثابت و معین است. در این قراردادها که از آن با عنوان قراردادهای معاوضه ای نیز یاد می شود، دو طرف قرارداد بر مبادله یک کالا یا خدمت با قیمتی معین توافق می کنند. قرارداد مبادله ای را می توان به سه گروه فروش، اجاره و حق العمل کاری تقسیم کرد. قرارداد فروش (بیع) شامل قرارداد فروش مرابحی و فروش اقساطی می شود. اجاره به شرط تملیک از عمده ترین عقود اجاره است و از قرارداد حق العمل کاری به عنوان جعاله یاد می شود.

۲. اجاره به شرط تملیک: یک نوع اعتبار میان مدت برای اجرای طرح های صنعتی است که بر اساس آن تجهیزات سرمایه ای و سایر سرمایه های ثابت مثل کارخانه، ماشین آلات و تجهیزات برای صنایع، صنایع تبدیلی کشاورزی، زیربنایی، حمل و نقل و غیره برای استفاده هر دو بخش خصوصی و عمومی ارائه می شود.

۳. فروش اقساطی: فروش اقساطی شبیه اجاره به شرط تملیک است با این تفاوت عمده که در فروش اقساطی مالکیت سرمایه در زمان تحویل به ذینفع منتقل می شود. بر اساس این شیوه، بانک تجهیزات و ماشین آلات را خریداری می کند و با اعمال درصدی سود به ذینفع می فروشد. (هرورانی و زهتاییان، ۱۳۸۹: ۲۶۲)

۴. جعاله: جعاله قراردادی است که به موجب آن جاعل یا کارفرما در مقابل انجام عمل معین (طبق قرارداد) ملزم به ادای مبلغ یا اجرت معلوم می شود. طرفی که عمل یا کار را انجام می دهد، «عامل» یا پیمانکار نامیده می شود. این عقد در بخش های صنعت و معدن، کشاورزی، ساختمان، بازرگانی و خدمات مورد استفاده قرار می گیرد.

(هرورانی و زهتابیان، ۱۳۸۹: ۲۶۲)

۵. مرابحه: مرابحه قراردادی است که به موجب آن عرضه کننده (بانک)، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسبه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. (اعجاز احمدخان محمد عبیدالله و طریق اله خان، ۱۳۹۱: ۱۳)

۶. قرض الحسنه: عقدی است که به موجب آن بانک‌ها به عنوان قرض دهنده مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به صورت قرض واگذار می‌کنند و نیازهای ضروری و عمومی اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت وام غیر تجاری و بدون انتظار سود، رفع می‌سازد. (اعجاز احمدخان محمد عبیدالله و طریق اله خان، ۱۳۹۱: ۲۰)

۷. معاملات سلف: تسهیلات سلف برای تأمین نیاز مالی متقاضی برای تولید کالایی است که قسمتی از هزینه تولید کالا توسط متقاضی انجام و تنها بخشی از سرمایه در گردش برای تولید محصول نهایی به صورت تسهیلات بانکی در اختیار او قرار می‌گیرد.

### ۳-۶. قراردادهای مشارکتی

در قراردادهای مشارکتی، شرکا به اقتضای عقد در سود و زیان حاصل از فعالیت مورد مشارکت سهیمند. سهم سود مشارکت‌کنندگان نسبت معینی است که بر اساس سهم شراکت یا توافق تعیین می‌شود. به طور معمول شرکا با توجه به سهمشان در زیان‌های احتمالی ناشی از قراردادهای مشارکتی سهیمند. قراردادهای مشارکتی شامل مجموعه‌ای از قراردادهای مختلفند. برای نمونه در عقد شرکت، مشارکت‌کنندگان به صورت مشارکتی دارایی‌های موضوع شراکت را تأمین می‌کنند. در عقد مضاربه، مشارکت میان کار و سرمایه صورت می‌گیرد. در عقد مزارعه و مساقات نیز نوعی مشارکت میان کار و سرمایه انجام می‌شود و در آن کشاورزی یا باغدار کار خود و صاحب زمین یا باغ نیز زمین و سرمایه خود را به عنوان موضوع مشارکت قرار





می دهند.

۱. مشارکت مدنی: مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی یا غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع و طبق قرارداد. متقاضیان می توانند با توجه به کارآیی این عقد از تسهیلات بانکی استفاده نمایند.

۲. مشارکت حقوقی: مشارکت حقوقی قراردادی است که طی آن بانک بخشی از سرمایه شرکت های سهامی جدید را تأمین یا بخشی از سهام شرکت های سهامی موجود را خریداری می کند و از این طریق در سود آن ها شریک می شود. (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

۳. مضاربه: یکی از عقود معین قانون مدنی مضاربه است که به موجب آن تسهیلات لازم در اختیار اشخاصی که در امر تجارت و بازرگانی اشتغال دارند، قرار می گیرد که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه نقدی می شود. طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود خالص، هر دو طرف شریک باشند. (اعجاز احمدخان محمد عبیدالله و طریق اله خان، ۱۳۹۱: ۱۵)

۴. مزارعه: مزارعه یکی از روش های تأمین مالی کوتاه مدت در بخش کشاورزی است که به موجب آن یکی از طرفین در زمین دیگری به کشاورزی می پردازد و محصول را آن طور که عرفاً رایج است تقسیم می کنند، یکی از شرایط شرعی مزارعه آن است که تمام محصول به یکی از طرفین اختصاص داده نشود. (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

۵. قراردادهای عام: قراردادهای عام ناظر به قراردادهایی هستند که بدون طرف داشتن قیود خاص قراردادهای غیرانتفاعی، مبادله ای و مشارکتی در قلمرو وسیعی قابل استفاده اند. از این نمونه می توان از عقد صلح نام برد. بانکداری اسلامی به وسیله قراردادهای که در بالا ذکر شد، تخصیص منابع انجام می دهد تا بتواند از این طریق زمینه را برای تولید و توسعه بنگاه های اقتصادی فراهم نماید.

## نتیجه‌گیری

بانکداری اسلامی نوعی بانکداری یا فعالیت بانکی است که با احکام اسلام (به‌ویژه مقرراتی برای مقابله با ربا و رباخواری) همخوانی دارد و در قالب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود. بانک نهادی حقوقی است که عملیات پولی، مالی و اعتباری را بر عهده دارد. با توجه به اینکه بانکداری به‌طور کلی به‌عنوان واسطه میان سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار نقش ایفا می‌کند، در نتیجه بانکداری اسلامی هم از این قاعده مستثنا نخواهد بود. لذا بانکداری اسلامی برای برآوردن نیازهای سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار سعی دارد تا در چارچوب قوانین شریعت، روابط بین این دو بخش را از طریق ایجاد راه‌های امن برای انکشاف اقتصادی فراهم آورد. بنابراین بانکداری اسلامی با ایجاد راهکارهای شرعی و دینی سعی می‌کند بازار مالی را برای انکشاف اقتصاد طراحی نماید که ربا و بهره را از جامعه اسلامی برچیند، برای برون‌رفت آن ابزارهای اسلامی از قبیل مضاربه، مساقات، مصالحه و غیره پیشنهاد می‌نماید.



## فهرست منابع

۱. الاطرم، عبدالرحمن بن صالح، (۱۹۹۵)، الوساطة التجارية في المعاملات المالية، رياض: مركز الدراسات والاعلام، دار اشبيليا.
۲. اعجاز احمدخان، محمد عبيدالله و طريق الله، (۱۳۹۱)، تأمين مالي خرد اسلامي، (ترجمه: دکتر سيد محمدی رضا سيد نورانی).
۳. ايروانی، جواد، (۱۳۹۴)، پول و بانکداری اسلامي، مشهد: دانشگاه علوم اسلامي رضوی.
۴. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۲)، سازوکار بانکداری اسلامي، قم: نشر المصطفی.
۵. جمشیدی، سعيد، (۱۳۹۰)، بانکداری اسلامي، تهران: بی نا.
۶. چپرا، محمد عمر، (۱۴۰۱)، نحو نظام نقدي عادل، قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامي.
۷. حسين زاده بحرینی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، بانکداری اسلامي مانع یا زمینه ساز توسعه، اقتصاد و توسعه، در مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامي و توسعه، مشهد: نشر ارسلان.
۸. داودی، پرویز؛ بیدار، محمد، (۱۳۹۰)، بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامي، مجله معرفت اقتصادي شماره ۵.
۹. سامی السویلیم، (۱۹۹۵)، «موقف الشريعة الاسلاميه من الدين»، مجله بحوث الاقتصاد الاسلامي ج ۵، لندن: الجمعیه الدولیه للاقتصاد الاسلامي.
۱۰. سيد نژاد، سيد صادق، (۱۳۹۰)، جهاد اقتصادي در اندیشه حضرت امام خمینی، قم: مرکز پژوهش های اسلامي صداوسیما.
۱۱. شعبانی، احمد؛ سیف لو، سجاد، (۱۳۹۰)، مقایسه تطبیقی بانک داری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید، معرفت اقتصاد اسلامي. سال سوم پاییز و زمستان، شماره ۱ (پیاپی ۵)
۱۲. صالح الحصین، مجله مجمع الفقه الاسلامي، ع ۸، ج ۳، ص ۱۷۱ تا آخر.



۱۳. صدر، سید محمدباقر، (۱۴۱۰)، البنك العربی فی الاسلام، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۴. قره‌باغیان، مرتضی، (۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، تهران: نشر نی.
۱۵. محقق‌نیا، محمدجواد، (۱۳۸۸)، ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۶. محمودی گلپایگانی، سید محمد، (۱۳۸۱)، ربا، بهره، سود از نظر فقهی و اقتصادی و قانون بانکداری اسلامی و مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری اسلامی، تهران: بی‌تا.
۱۷. منور اقبال، اوصاف احمد و طریق الله خان، (۱۳۷۸)، چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی، (ترجمه: حسین میثمی و مسلم بمانپور)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۸. موسویان سید عباس، (۱۳۸۱)، آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت بجای بهره، اقتصاد اسلامی.
۱۹. موسویان، سید عباس و میثمی، حسین، (۱۳۹۴)، بانکداری اسلامی (۱) مبانی نظری-تجارب عملی.
۲۰. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۱)، بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی بانکی، چاپ سوم.
۲۱. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳)، ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربا ایران.
۲۲. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳)، بانکداری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۳. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۵)، بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر<sup>(ه)</sup>، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی.
۲۴. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۶)، «راهکارهای استفاده از اعتبارات در حساب بانکداری اسلامی»، مجله نامه اقتصادی، ش.
۲۵. میرخلیلی، سید حسین، (۱۳۸۴)، گروه بانک اسلامی توسعه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



۲۶. میر معزی، سید حسین (۱۳۹۳)، (عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام).
۲۷. میرمعزی، سید حسین، (۱۳۸۴)، «الگوی ذخایر سپرده بانکی در بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱۷، ص ۴۵-۷۴.
۲۸. نظریور، محمدتقی، موسویان، سید عباس، (۱۳۹۳)، بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه، قم: دانشگاه مفید.
۲۹. هرورانی، حسین، زهتابیان، مصطفی و هرورانی، مهدی (۱۳۸۷)، نقدی بر بانکداری اسلامی.

